کارآگاه

قتل پسر جوان به خاطر پیشنهاد ازدواج به مدیر

مـردی که به‌خاطـر مزاحمت پسـر جوان و پیشنهاد ازدواج وی به مدیر یکی از شرکت‌های تبلیغاتی دست به جنایت زده بود، توسط پلیس دستگیر شد.

۲۰ مردادماه امسال یک تصادف منجر به فوت در اتوبان یادگار امام جنب پمپ بنزین فرحزاد، ورودی گلبرگ به کلانتری ۱۳۴ شهرک قدس اعلام می‌شود.

باحضور ماموران کلانتری و عوامل پلیس راهور در محل و انجام بررسی‌های اولیه که تصادف ما بین خودروی پژو ۲۰۶ سـفید رنگ به رانندگی جوانی به نـام «محمد» ۲۱ سـاله و با راکب یک موتورسیکلت پالس به‌نام «روح‌الله» صورت گرفته است.

راکب موتورسـیکلت در این تصادف به دلیل شدت جراحات جان باخت و پرونده مقدماتی با موضوع تصادف غیرعمد در دادسرای ناحیه ۳۱ تشکیل و راننده خودروی پژو ۲۰۶ پس از انجام اقدامات قانونی با قرار تأمین کفالت آزاد می‌شود.

پرونده در اداره پلیس آگاهی

۲۵ دی مـاه خانـواده روح‌الله بـا مراجعه به دادسـرای ناحیه ۳۱ و طرح شـکایت، بررسی احتمـال وقوع عمـدی بودن حادثـه منجر به مرگ فرزندشان درخواست کردند، به دنبال این موضـوع پرونده به دادسـرای ناحیه ۲۷ جنایی ارسال و به دسـتور بازپرس شعبه هفتم پرونده جهت رسیدگی در خصوص احتمال عمدی بودن تصادف منجر به فوت در دستور کار کارآگاهان اداره ویژه قتل پلیس آگاهی قرار گرفت.

خانواده متوفـی پس از حضـور در اداره دهم درخصوص شکایت خود مبنی بر عمدی بودن تصادف اظهار داشـت: روح‌الله فرزندمان در یک شرکت خصوصی تبلیغاتی به مدیریت خانمی به نام «مریم» فعالیت می‌کرد، تا این که به واسطه علاقه‌ای که به مدیر شرکت پیدا می‌کند، از وی درخواست ازدواج کرده، اما اخیرا نیز با شخصی به نام «محمد» که از مشتریان شرکت بود درگیری لفظی پیدا کرده بود. ما نیز طی روند رسیدگی به پرونده در دادسرای ناحیه ۳۱ متوجه شدیم که راننده خودروی پژو ۲۰۶ همان شخصی است که پسرمان با او مشاجره داشت.

آغاز تحقیقات از محمد

با آغاز رسـیدگی بـه پرونـده در اداره دهم، «محمد» ۲۱ ساله دسـتگیر و در بازجویی‌های اولیه اظهار داشت: در اتوبان درحال حرکت بودم که به علت سرعت بالا و ترکیدگی لاستیک جلو ناگهان خودرو منحرف شد و با یک موتورسیکلت که در کنـار صف پمپ بنزین توقـف کرده بود، برخورد کردم. بعد از تصادف متوجه شـدم که راکب موتورسـیکلت روح‌الله است که با او رابطه کاری داشته‌ام.

اعتراف به جنایت

با وجود اظهـارات اولیه محمـد درخصوص عمدی نبودن تصادف، کارآگاهان با بررسی‌های تخصصی اطلاع پیـدا کردند که محمد پیش از تصادف از حضور متوفی در محـل وقوع حادثه اطلاع داشته است.

تحقیقات تخصصی از محمد آغاز شد و این بار وی به عمدی بودن تصادف اعتراف کرد و گفت: در روز حادثه قرار بود به دفتـر مریم بروم که در تماسی متوجه شدم وی در پمپ بنزین نزدیک شرکت است و روح‌الله نیز او را تعقیب کرده است. از آنجایی که چندی پیش نیز به خاطر پیشنهاد ازدواج از سـوی روح‌الله به مدیر شـرکت از وی کینه پیدا کرده بودم. خود را به محل رسـاندم و روح‌الله را زمانی که داشت با مریم صحبت می‌کرد زیر گرفتم و قصد فرار داشتم که ۲۰۰ متر جلوتر لاستیک جلوی ماشینم ترکید و به ناچار متوقف شدم و مردم نیز مرا بازداشـت کردند. در ادامه از طریق تماس با مریم متوجه شدم که روح‌الله در داخل بیمارستان جان باخته است.

دستگیری مریم

با توجه به اعترافات متهم، مریم مدیر شرکت تبلیغاتی ۱۲ اسفندماه دسـتگیر و در اظهارات اولیه منکر اطلاع از هرگونه تصادف شده و عنوان می‌کند با متوفی و قاتل صرفا ارتباط کاری داشته است.

اما در ادامه مریم پس از رویارویی با مستندات پلیسی از اطلاع به عمدی بودن تصادف اعتراف می‌کند و می‌گویـد: روح‌الله کارمنـد من بود و وقتی پیشنهاد ازدواجش را شنیدم، او را از شرکت اخراج کردم ولـی او همچنان بـرای من ایجاد مزاحمت می‌کرد. روز حادثه درحالی که محمد قصد آمدن به شرکت را داشت، در تماس تلفنی به او گفتم کـه در پمپ بنزین محـل کار خود هسـتم و روح‌الله نیز از صبح همان روز مرا تحت تعقیب قرار داده اسـت اما به هیچ عنوان محمد را به تصادف عمدی و کشـتن روح‌الله تحریک نکردم. سرهنگ کارآگاه آریا حاجی‌زاده معاون مبارزه با جرایم جنایی تهران بزرگ با اعلام این خبر گفت: با توجه به اعترافات هر دو متهم قرار بازداشـت موقت از سـوی مقام قضایی صادر و متهمان جهت انجام تحقیقات تکمیلی در اختیار اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفتند.

گزارش «شهروند» از دیدگاه قربانیان اسیدپاشی در رابطه با اجرای اولین حکم قصاص

صف طولانی قصاص برای مجازات مجرمان اسیدپاشی

سال ۹۳ اسیدی‌ترین سال در کشور بود

بهناز مقدسی| قربانیان اسیدپاشی سال‌هاسـت در صف رسیدگی پرونده‌هایشـان در دادگاه ایستاده‌اند تا شـاید مجازات متهمان ذره‌ای از زخم‌های چندین و چند ساله‌شان را التیام بخشد. صبح روز سه‌شنبه که اولین متهم اسیدپاشی بعد از ۵۶سال از تصویب قانون قصاص در این نوع جنایت‌ها مجازات شد واکنش‌ها متفاوت بود. اجرای این حکم حالا خیلی از قربانیان را مصمم‌تر کرده تا پای حق قصاص در پرونده‌شان بایستند. همین امسال بود که کابوس اسیدی بارها زندگی تک‌تک‌مان را پُر کرد. کابوسی که در اطرافمان قربانیانی واقعی داشت. شاید سال ۹۳ اسیدی‌ترین سال باشد، یک قربانی در دهدشـت، ۴ قربانی در اصفهان، ۲ قربانی در تهران و در مجموع ۷ قربانی. اینها تنها قربانیانی هستند که خبرشان رسانه‌ای شد و آمار دقیقی از اسیدپاشی‌های احتمالی در گوشه و کنار کشور در دست نیست. روند افزایش جنایت اسیدپاشی به هر عاملی که بستگی داشته باشد مهم نیست، در این پرونده‌ها سرنوشت مهم‌تر از سرگذشت است.

حکم من را قربانی دیگر اجرا کرد

آمنه بهرامی مشـهورترین قربانی اسیدپاشـی در ایران است. دختر ۳۷سـاله‌ای که ۱۰ سـال پیش هـدف توطئه اسـیدی خواسـتگار عاشق پیشـه‌اش قرار گرفت. وقتی آن مایع داغ اسـیدی در حوالی پل سیدخندان صورتش را سـوزاند زیبایی‌اش همزمان با سوی چشمانش تحلیل رفت. با شـکایت آمنه از عامل این جنایت اسـیدی خیلی زود پرونده‌ای مبنی بر اسیدپاشی در دادسـرا به جریان افتاد تا این که سال ۸۶ در دادگاه کیفری اسـتان تهران مورد رسیدگی قرار گرفت. دادگاه با درخواست آمنه رأی بر قصاص ۲ چشـم مجید داد و حکم در دیوانعالی کشور مورد تأیید قرار گرفت. سپس این پرونده برای استیذان نزد رئیس قوه‌قضاییه ارسال شد. درحالی که آمنه برای قصاص چشمان متهم مصمم بود، تلاش فعالان اجتماعی برای جلب رضایت او آغاز شد. تا این که حکم صادره مورد تأیید رئیس قوه‌قضاییه قرار گرفت. با اعلام این حکم همه چیز برای قصاص مجید مهیا شد، با حکم مسـئولان اجرای احکام دادسرای جنایی تهران متهم به بیمارسـتان دادگستری تهران منتقل شد و قرار بود با نظارت یک پزشک قانونی و چند پرستار، مجید عامل اسیدپاشی به آمنه با اسـید قصاص شـود. روز اجرا آمنه، برادر، پدر، مادر و عمویش در بیمارستان دادگستری حاضر شدند و برخلاف همه انتظارها آمنه از قصاص متهم اسیدپاشی صرف‌نظر کرد. تا این که مدتی بعد چالشی دوباره میان او و شـعبه اجرای احکام از سر گرفته شد. آمنه بهرامی می‌گفت از قصاص گذشت کرده اما دیه چشمانش را می‌خواهد؛ در این بین اجرای احکام براساس صورتجلسه اعلام کرد او گذشت کامل کرده است. با تمام این فراز و نشیب‌هایی که گره کور در پرونده قصاص متهم ایجاد کرده بود این روزها آمنه دوباره برای گرفتن دیه، پرونده‌اش را به جریان انداخته، او که از اجرای اولین حکم قصاص متهم اسیدپاشـی در ایران بی‌خبر بود، به «شهروند» گفت: «من که دیگر ۱۰ سال است نمی‌توانم بخوانم و تنها می‌توانم اخبـار را از رادیو و تلویزیون پیگیـری کنم، اما خبری مبنی بر اجرای اولین حکم قصاص چشم در پرونده اسیدپاشی به گوشم نخورد. تا این لحظه نمی‌دانستم طلسم این قصاص شکسـته شده و حالا انگار حکمی که برای مجید بوده است را یکی دیگر برای متهمش اجرا کرده. با این حال من هنوز برای رضایت دادن پشـیمانم، شاید اگر من رضایت نمی‌دادم دیگر کسی جرأت نداشت دست به این جنایت بزند.»

راه برای قصاص اسیدپاش‌ها هموار شد

یک‌سال بعد از پرونده اسیدپاشی جنجالی آمنه بهرامی پرونده یک پسر قربانی اسید خبرساز شد. داوود روشنایی، قربانی اسیدپاشی سال ۸۴ همان پسری است که صبح روز سه‌شنبه در زمان اجرای حکم قصاص، اجرای حکم را به ۲ ماه بعد موکـول کرد. دوم آبان‌ماه سـال ۸۴ داوود روشنایی هدف اسیدپاشی مردی ناشناس در خیابان مجیدیه قرار گرفت.

در این حادثه اسیدی چشم چپ و گوش راست پسرک سوخت، چندبار تحت عمل جراحی قرار گرفت و حالا بعد از ۹ سـال حکم قصاص عامل اسـیدپاش را از دادگاه دریافت کرد. براساس رأی دادگاه، متهم محکوم شد که حکم قصاص درباره یک چشم و گوش او اجرا شود. اما وقتی داوود روشنایی با حکم قضایی که در آن دستور به اجرای قصاص درباره متهم صادر شـده بود به زندان رجایی‌شهر رفت هیچ‌کس تصور نمی‌کرد آن روز حکم متهم به اجرا درنیاید. داوود که در یک قدمی اجرای حکم مرد اسیدپاش قرار داشت به دلیل ایام فاطمیه رضایت داد تا اجرای حکم به ۲ ماه بعد موکول شـود. داوود روشنایی دیدگاهش را در رابطه با اجرای اولین حکم قصاص متهم اسیدپاشی در ایران این گونه به «شهروند» بیان کرد: «علی سخنور قربانی اسیدپاشی سال ۸۸ روز سه‌شنبه کار بزرگی را انجام داد؛ بار سنگینی از روی دوش‌های قربانیان برداشته شد. او با اجرای حکم قصاص متهم پرونده‌اش به نوعی راه را برای تصمیم‌گیری قربانیان دیگر باز کرد. من مطمئنم اجرای این حکم تأثیر زیادی بر کاهش جنایت اسیدپاشـی خواهد گذاشت. وقتی روز سه‌شـنبه برای اجرای حکم به زندان رجایی‌شهر رفتم فضای سنگینی در محل اجرای حکم حاکم بود، حتی من که شاکی بودم از آن جو به وحشت افتادم و به همین خاطر از پدرم خواستم تا همراه من به داخل بیاید. به همین خاطر تصور می‌کنم با اجرای این حکم همه چیز حالا رنگ واقعی‌تری گرفته و قطعا بساط توطئه‌های اسیدی در آینده برچیده خواهد شد.»

هیچ‌کس درد ما را حس نمی‌کند

۳سـال از حادثه می‌گذرد. حادثه تلخی که سرنوشـت زیور پروین را به سیاهی کشـاند. نه‌تنها صورتش را سـوزاند بلکه زندگی‌اش را هم خاکسـتر کرد. زیور پروین، زنی که به همراه دختر ۱۸ ساله‌اش در سال ۱۳۹۰ توسط برادر همسرش، مورد حمله اسیدپاشی قرار گرفت. دختر ۱۸ ساله زیور، یثری نام داشت که تنها ۱۸ روز پس از حادثه اسیدپاشی بر اثر صدمات ناشی از حادثه، جان خود را از دست داد؛ اما زیور ۳۷ساله زنده ماند تا شاهد روزهای سـخت زندگی‌اش باشد. زیور پروین همراه پدر و مادر پیر و ۲ پسـرش در خانه‌ای اجاره‌ای در جنوب تهران زندگی می‌کند. از قصاص عامل جنایت اسیدی خبر ندارد. با لهجه شیرین کردی صحبت می‌کند. گریه امانش نمی‌دهد. مدام بغض می‌کند. دردهایی که انگار پایانی ندارد. باور ندارد که عامل اسیدپاش به سزای عملش رسیده. اما خوشحال است. می‌گوید تنها کسی که هم درد من است می‌فهمد من چه دردی کشیده‌ام هیچ‌کس درد ما را نمی‌تواند عمیقا احساس کند. این درد نه‌تنها من و دخترم را پودر کرد و سوزاند. خانواده‌ام هم سوختند. تار و پود هستی‌ام آتش گرفت. خوشحالم که این قصاص انجام شده است انگار من حقم را گرفته‌ام. متهمان اسـیدی باید به سزای جنایتشان برسند. تصور می‌کنم به ۳سال پیش بازگشتم زمانی که مادری با صورتی مهربان و دست‌های پر از عاطفه بودم که به همراه دخترم یثری و ۲ پسرم زندگی می‌کنم. زیور از روز حادثه می‌گوید: «برادر شوهرم قصد داشت زیبایی‌ام را از بین ببرد و یثری را بترسـاند زیرا یثری همیشـه از من در برابر آنها حمایت می‌کرد.» برادر شوهر زیور با همدستی برادر و همسرش سطلی از اسید را بر سرتاپای زیور و مقدار کمتری از آن را بر قفسه سینه و قلب یثری ۱۸ ساله پاشیده بودند. مادر و دختر ۱۸ روز در کنار یکدیگر روی تخت بیمارستان بستری بودند تا این که یثری با این که پزشکان به زنده ماندنش بیشتر از زیور امید داشتند درگذشت.

زیور تا هفت ماه بعد از مرگ دخترش در بستر بیماری از این حادثه بی‌خبر ماند؛ «هر بار می‌پرسیدم خانواده و پزشکان می‌گفتند دخترت در بخش سی‌سی‌یو بستری است. دلم می‌خواست این حرف‌ها را باور کنم. روزی که فهمیدم می‌خواستم خودم را بکشم. زندگی دیگر برایم معنی نداشت. دخترم که خود را برای جشن عروسی‌اش آماده می‌کرد، این گونه جلوی چشمانم نابود شده بود.»

اینها ظاهر ماجراسـت و زخمی که بر دل این زن نشسته عمیق‌تر از زخم‌هایی است که سراسر وجودش را فرا گرفته است. زیور بارها و بارها تحت عمل جراحی قرار گرفته اسـت؛ جراحی پلاستیک برای بینی و پلک‌هایش و جراحی چشم. چشم چپش کاملا نابیناست و تنها با چشم راستش نور ضعیفی را می‌بیند.

همه جراحی‌ها و فرآیند درمانی بسـیار هزینه‌بر بوده و توسط خانواده تأمین شده است. زیور از هیچ کمک یا حمایت اجتماعی‌ای برخوردار نبوده اما نکته جالب ماجرا این جاسـت که او وقتی برای گرفتن وام ۴ میلیونی اقدام کرده تنها با یک میلیون تومان آن به همراه ۲ ضامن موافقت کردند.

نمی‌داند چه سرنوشتی در انتظارش است. متهمان پرونده ۶ ماه پس از این ماجرا به این جنایت اعتراف کردند اما دوباره اعترافشـان را پس گرفته‌اند. دو برادر شـوهر زیور به اتهام قتل و اسیدپاشی دستگیر شده بودند. همسر برادر نیز که خود در جریان اسیدپاشی به زیور و دخترش دست‌هایش صدمه دیده بود، بعد از دو سال زندان با قید وثیقه آزاد است. یکی از آرزوهای زیور پروین اعتراف متهمان پرونده به اسیدپاشی است. او به کمک مردم نیاز دارد. زیور پروین چشم انتظار کمک خیرین است. او دیگر توانایی پرداخت هزینه‌های درمانش را ندارد. به همین منظور کسانی که می‌خواهند به این قربانی اسیدپاشی کمک کنند می‌توانند کمک‌های نقدی خود را به شماره حسـاب ۶۲۷۳۸۱۱۰۵۸۶۰۸۶۵۱ بانک انصار به نام زیور پروین واریز کنند.

مجرمان اسیدپاش باید مجازات شوند

مصمم‌تر از قبل اسـت. می‌خندد. نمی‌دانسـت قصاص انجام شده. مطمئن است که متهم فراری پرونده اسیدپاشی‌های اصفهان دستگیر خواهد شد و حکم برای او هم اجرا می‌شود. می‌گوید: «سهیلا جورکش اسید را شکست می‌دهد و اجازه نخواهد داد اسیدپاشی دیگری رخ دهد. من نخواهم بخشـید و رضایت نمی‌دهم. آمنه اگر نمی‌بخشید دیگر مجرمان اسیدی جرات پیدا نمی‌کردند دسـت به این جنایت سوزان بزنند. سهیلا جورکش دانشجو بود، تحصیلکرده، پشت فرمان خودرو در خیابان بزرگمهر اصفهان توقف کرده بود. صدای زنگ گوشی موبایلش را می‌شنود، نوشـته مامان؛ باید پاسخش را بدهد حتما مانند همیشه دل نگران دخترش اسـت، خودروی خود را به سمت باغ گل‌ها هدایت می‌کند و گوشه‌ای متوقف می‌شـود تا دل نگرانی‌های مادر را با صدای گرم خود پاسخ دهد که نگران نباشـید هرچه زودتر می‌رسم خانه، اما مادر تا سلام می‌کند صدای فریاد «سوختم سوختم» دختر را می‌شنود.

سهیلا یکی از ۴ دختری اسـت که مهرماه ۹۳ را در اصفهان با ترس و وحشت آغاز کرد. ترسی که از اسیدپاشی‌های زنجیره‌ای ۵ ماه اخیر به بانوان راننده ناشی می‌شد. قربانیان ۴ نفر بودند. اما سهیلا حالش از همه وخیم‌تر بود همه زیبایی‌اش سـوخت و ۵۰درصد بینایی‌اش را از دست داد. او که برای مداوا به تهران آمده بود حالا در خانه‌اش در اصفهان بستری است. هفته‌ای یک‌بار به تهران می‌آید تا تحت معاینات پزشکی قرار گیرد. سهیلا خوشحال است چون اولین متهم اسیدپاشی قصاص شـده اسـت. می‌گوید می‌دانم متهم فراری اسیدپاشی‌های اصفهان دستگیر می‌شود و به سزای عملش می‌رسد.

گفت‌وگو با قربانیان اسیدپاشـی دردی عمیق به وجودت سـرایت می‌دهد. آنها غمگین‌اند، بی‌گناهند، کابوس رهایشان نمی‌کند و با تمام اینها باید سال‌ها برای بخشش یا قصاص بجنگند. تجربه قربانیان اسیدی در زندگـی اجتماعی و جامعه تجربه‌ای غریب اسـت. تجربه‌ای درهم آمیخته با امید؛ قربانیان اسیدپاشی نیازمند حمایت و توجه فراتری از آنچه رسالت رسانه‌ای انجام می‌دهد هستند، همین جا، در شهر، دورتر از روزمرگی ما.

پیگیری

در انفجار مین عمل نکرده جنگی رخ داد

دانش‌آموزان مجروح ایلامی در بیمارستان اهواز

دانش‌آموزان ایلامـی که با انفجار مین عمل نکرده دوران جنگ دچار آسـیب شـدید شـده بودند، در بیمارستان آیت‌الله طالقانی اهواز تحت مراقبت‌های پزشکی هسـتند. رئیس بیمارستان آیت‌الله طالقانی اهواز، آخرین وضع رسـیدگی به بیماران سوختگی ناشی از انفجار مین در استان ایلام را تشریح کرد. زهرا بزرگ زاده رئیس بیمارستان آیت‌الله طالقانی اهواز در این خصوص اظهار کرد: «روز گذشته برای چهار بیمار خردسال که به دلیل انفجار مین در استان ایلام دچار سوختگی و جراحت شده بودند، درخواست پذیرش در بیمارسـتان آیـت‌الله طالقانی اهواز داده شـد که بلافاصله پذیرش اعلام و بیماران به وسیله آمبولانس به این بیمارستان منتقل شدند». بزرگ‌زاده ادامه داد: «دو نفر از بیماران دچار سوختگی ۳۰درصد و یک نفر ۳۸درصد و بیمار چهارم دچار سـوختگی ۶۰درصد بودند که این سـوختگی‌ها در نواحی صـورت، تنه، اندام فوقانی و تحتانی واقع شـده بـود. بلافاصله بعد از پذیرش، بـرای بیماران اقدامات اولیه انجام شـد و توسط متخصصان مقیم در بیمارستان، مورد ویزیت قرار گرفتند و درحال حاضر هر چهار بیمار در بخش آی سـی یو و تحـت مراقبت‌هـای ویژه قـرار دارند. همچنین از زمان حضور این بیماران در بیمارستان، تمام مشاوره‌های تخصصی اطفال، ارتوپدی، بیهوشی و جراحی پلاستیک و عمومی، چشم پزشکی انجام و دستورات دارویی لازم عملی شد.» رئیس بیمارستان آیت‌الله طالقانی اهـواز گفت: «تنها یکـی از بیماران دچار سـوختگی درجه دوم عمیق و ۶۰درصد است که ترکش‌های انفجار مین هنوز در بدن وی مشـهود است و قسمتی از مچ پای چپ وی از دست رفته است. وی در هنگام پذیرش هوشیار نبود و بلافاصله اقدامات اولیه توسط متخصصان بیهوشی و جراحی مقیم در بیمارستان انجام پذیرفت و در بخش آی سی یو تحت مراقبت‌های ویژه قرار دارد و در تلاش هسـتیم که با اقدامات تیم متخصص و حاذق بیمارسـتان آیت‌الله طالقانی اهواز، این بیماران هرچه سـریعتر مداوا و به آغوش خانواده خـود بازگردند.» عصر روز دوشـنبه چند دانش‌آموز منطقه «کنجانچم» شهرستان مرزی مهران بعد از پایان ساعت درسی مدرسه اقدام به بازی می‌کنند که مین عمل نکرده زمان جنگ تحمیلی در محل بازی آنها منفجر شده و موجب مجروح شدن پنج تن از آنها می‌شود.

آژیر

عملیات آتش‌نشانان برای مهار شعله‌های سیلندرهای گاز

شهروند| ۱۹۰ کپسول و سیلندر گاز مایع که در مجاورت شعله‌های آتش در یک گاراژ قرار داشتند، با تلاش آتش‌نشانان، بدون بروز انفجار از محل حادثه خارج شدند. سـاعت ۲۰:۲۲ سه‌شنبه‌شب گذشته چند نفر با آتش‌نشانی تماس گرفتند و از وقوع یک آتش‌سوزی و مشاهده دود و شـعله از یک گاراژ که تعدادی مغازه و کارگاه را در خود جای داده بود، خبر دادند. بلافاصله ستاد فرماندهی آتش‌نشانی تهران، آتش‌نشانان ایسـتگاه ۷۴ را به محل حادثه در جاده سـولقان نرسـیده به پل زرد روبه‌روی تالار خاطره سـبز اعزام کردند. جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی، درباره جزییات این آتش‌سوزی گفت: با حضور عوامل آتش‌نشانی مشخص شد، در انتهای گاراژی که محل صافکاری، نقاشی و تعمیرات خودرو بود، انباری به وسعت ۱۵۰ مترمربع محل نگهداری سیلندر گاز مایع بود که به دلیل نامعلومی به یک باره طعمه حریق و کاملا شعله‌ور شـده، به طوری که از شدت حرارت سقف انبار فرو ریخته بود و یک خودرو پیکان که در مقابل این انبار پارک بود، طعمه حریق شد. ملکی افزود: هر لحظه امکان انفجار سیلندرهای گاز بود که آتش‌نشانان بلافاصله سیلندرهای گاز را از محل خارج و سپس حریق را مهار کردند.

وی گفت: تا قبل از رسیدن نیروهای آتش‌نشانی، دو کارگر ۲۵ و ۳۲سـاله که دچار سـوختگی شده بودند، با کمک مردم از محل آتش‌سوزی خارج شدند و توسط تکنسین‌های اورژانس به مراکز درمانی اعزام شدند. به گفته این مقام مسئول در آتش‌نشانی، دو تن از آتش‌نشانان نیز در این حریق دچار دودگرفتگی شـدند که پس از پایان عملیات بـه مراکز درمانی منتقل شدند و آتش‌نشانان پس از ایمن‌سازی محل و تخلیه دود، عملیات را در ساعت ۲۲:۴۸ دقیقه به پایان بردند.

خارج از مرز

انفجار معدن در اوکراین، ۳۲ کشته داد

صبح چهارشـنبه انفجاری شـدید در معدن Zasyadlo در شرق این کشور رخ داد که تاکنون جان ۳۲ تن را گرفته است. مقامات دولتی، شمار اولیه قربانیان و مجروحان این انفجار را به ترتیب یک و ۱۴ نفر اعلام کرده بودند اما با توجه به تعداد معدنچیان گرفتار شـده در زیر زمین، گزارشات ضدونقیضی تاکنون منتشر شده و آخرین اخبار حاکـی از مرگ ۳۲ تـن در این حادثه اسـت. به گزارش خبرگزاری شینهوا، مقامات دولتی اعلام کردند که ۷۰ کارگر داخل معدن حبس شده‌اند و گزارش‌ها حاکی‌اسـت که ۲۰۷ نفـر در زمان وقوع انفجار، در زیر زمین مشغول به کار بوده‌اند و هم‌اکنون ۴۷ معدنچی نیز ناپدید هستند.

مکث

آزادی ۳ زندانی نیازمند با اهدای فیش حج تمتع

اهدای فیش حج تمتع بانوی نیکوکار ارومیه‌ای به سـتاد دیه ایـن اسـتان، زمینـه آزادی ۳ نفر از زندانیـان جرایم غیرعمـد را فراهم کـرد. روز ۱۲ اسفندماه زن جوانی به نام ایراندخت نقوی‌پور با حضور در ستاد دیه استان آذربایجان، هزینه تشرف خانه خدا را اهدا کرد و از همین طریق زمینه آزادی ۳ نفـر از زندانیان نیازمند واجد شـرایط این نهاد مردمی را فراهم کرد. یحیی سلطانی مدیرعامل ستاد دیه شـعبه اسـتان آذربایجان‌غربی در این خصوص گفـت: این ۳ زندانی که به واسـطه این برگ معنوی تا پایان همین هفته آزاد خواهند شد، قبلا با محکومیت‌های مالی ناشی از عدم توانایی در پرداخت اقساط بانکی روانه زندان شده بودند. وی ادامه داد: یکی از این زندانیان آزادشده پیرمرد فرشبافی است که برای خرید لوازم قالی‌بافی اقدام به دریافت تسـهیلات بانکی کرده بود که در ادامه به دلیل مشکلات اقتصادی و عدم توفیق در بازار رقابتی، از بازپرداخت اقسـاط خـود عاجز ماند. مدیرعامل ستاد دیه شـعبه این استان با اشاره به جمعیت ۲۴۰ نفری محکومان جرایم غیرعمد و غیرکلاهبـرداری آذربایجان‌غربی، گفت: اعضای هیأت‌مدیره این نهاد مردمی با برگزاری ۲ جلسه و بررسی تعداد زیادی از پرونده‌ها در تلاش هستند با همت همین نیکوکاران نیک‌اندیش استانی تا پایان سال جاری ۸۰ نفر از زندانیان تحت حمایت خود را آزاد و به آغوش گرم خانواده‌هایشان بازگرداند.